



نقش برجسته الهامی شیرشو

جعفر مهرکیان در سال ۱۳۶۶ نگارکند شیوند Sharvand را در دامنه شمالی کوه مونگش (شهرستان ایذه) کشف کرد او همچنین دو سال بعد ۱۳۶۸ نگارکند شیرینوموری Shirin ow Movri را در کناره ایل راه دهرین شیرینو و چندی بعد نگارکند به شوه الکی Yashow-e Alki را در بازفت Bazoft کشف کرد.^{۱۱} افزون بر نگارندهای بالا به نگارندهای، پرسنگ تراشیده و قایل جلیجایی: نی سی یون Tbi youn دشت سوسن^{۱۲} Dast-e Susan و نگارکند سوردتنگ زیر^{۱۳} Moor-e Tang-e Zeer نیز می توان اشاره کرد.^{۱۴}

در اینجا به نگارکند پانمان شیرینوموری که باید آن را در رابطه با ایل راه باستانی شیمبار - زرده و نگارندهای سنگ پتان شیمبار، تازاز و بردت کوه تینا و همچنین نگارکند نویافته به شوه الکی تپا مقایسه کرد می پردازیم.

بازفت^{۱۵} کوچ گاه و گذرگاه کوچ راه زرده

بازفت در جغرافیای سیاسی استان کتونی چهارمحال و بختیاری، دهستانی در شمال باختری شهرستان فارس است. این دهستان ناشن را از رود بازفت وام گرفته است. رود بازفت، از چشمه ساران قلعه های برف پوش زرد کوه و هفت تنان^{۱۶} در رسته کوه زاگرس میانی سرچشمه می گیرد و با پذیرفتن جویبار فرلوان در میانه دره دراز بین آن کوه ها و کوه سفید، به سوی خاور روانه می شود و با درآمیختن چند رود دیگر^{۱۷} به نام کارون با چرخش به جنوب باختری، سینه کوه و دشت را تا پیوستن به خلیج فارس می شکافد و پیش می رود.^{۱۸}

بازفت سرزمینی بیلاقی، با زمستانهای سرد و تابستانهای خوش آب و هوا و سرسبز است. آب و هوای مناسب و پوششی از مراتع و درختان جنگلی همچون بلوط، کلونوک، پسته و بادام و زالزالک و دیگر گونه های گیاهی - صنعتی در همسایگی طبیعی خوزستان گرم، آنجا را مطلوب، کوچکران بختیاری خوزستان ساخته است. نه چندین سده، بلکه چندین هزار سال است که گونه گونی آب و هوا زمستان سرد شمال و تابستان گرم جنوب زاگرس میانی زندگی کوچ نشینی را به دامداران



یکه، نقش حرف لا پاره شکستی.

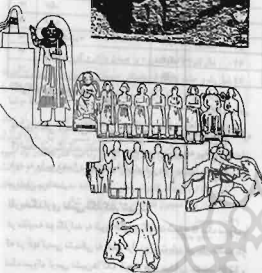
کوفته های زاگرس تحمیل کرده است.^{۱۹}

طایفه بزرگ موری^{۲۰} که پاییز و زمستان را در پیرامون مسجد سلیمان سیری می کند با کوچ از پایان فروردین ماه، بهار و تابستان را برای چرای بهتر در بازفت پراکنده می شوند و دگروار از پاییز به قشلاقلان در مسجد سلیمان روانه می شوند.

بازفت از سوی گذرگاه دیگر کوچکران بختیاری است. طایفه های بهناروند^{۲۱}، بهلادی^{۲۲}، بو بابا احمدی^{۲۳} از آن جمله اند که چندین سده است در مسیر ایل راه منار^{۲۴} - زرده^{۲۵} با خیل دامهای خود گذرگاههای سخت بازفت را زیر پا می گذرانند. حال کنون^{۲۶} یا کوچ فصلی از قشلاق به بیلاق و از بازفت سردسیر تا خوزستان گرمسیر، بسته به فاصله شاخه های از طایفه های بختیاری، گاه بیش از یکماه به درازا می کشد. ایل راههای بختیاری انگشت شانرند^{۲۷} گاه چند ایل راه در یک گذرگاه صعبالعبور به هم پیوسته سپس از هم جدا می شوند. همواره تسلط بر گذرگاهها یکی از وجوه قدرت بوده است. اینکه مسیر کوچ شاخه های از بختیاری ها کوتاه ترین فاصله است و یا طولانی تر است بدین سبب می تواند باشد که ریشه های تاریخی دارد. بیشتر کشمکشها و جنگ و جدال و انتقام جویی ها بر سر دستیابی به اینگونه از گذرگاهها و یا مواضع و بسیار تعیین کننده بوده است.^{۲۸}



شما و شایه‌ای از نگارکد دو پایه شیروازی



شما و شایه شمال و شمال باختری نگارکد تگ سروک II



اندیشه هنرمندانه با طرح بر آن بوم صخره‌ای و تراش سخت جان گرفته است.

شخصیت نشسته بر کرسی نقطه عطف این نگارکند است او که پیکره پر هیبتی دارد با چهره تمام رخ و نگاه روبرو بر کرسی چهارپایه‌ای نشسته است که تنها دو پایه از چهارپایه احتمالی آن که نشیمنگاه مسطحی دارد در نما دیده می‌شود. پایه‌های کرسی به صورت خراطی شده پنداشته می‌شوند. پاهای این شخصیت به طرفین در سطح پایه کرسی است. کرسی بر سکویی استوار است که ۷۷ سانتی متر درازا و ۳۵ سانتی‌متر بلندا دارد و در ۲۰ سانتی‌متر زرقا نمایش داده شده است. او با دست راست خود نیزم‌ای را که به برجستگی نمایانده شده، نگاهداشته است که در کنار کرسی بر سکو قرار گرفته است.

دو پیکره ایستاده نیز با چهره تمام رخ به روبرو نگاه می‌کنند. پوشاک آنها قبا یا تونیک بلند و گشاد زیر زانو است که دارای چین‌های عمودی است. نفر نزدیک به شخصیت والا مقام ۱۵۳ سانتی‌متر بلندا دارد که سرش از کادر و قاب فرضی بالاتر است او نیز تونیک بلندی بر تن دارد. بلندای نفر دیگر ۱۴۶ سانتی‌متر است. نفر میانی پس از نفر بلند مرتبه از مقام و منزلت بالاتری برخوردار است. همو با دست راستش به سوی شخصیت برجسته چیزی نامعلوم را در دست دارد. دست چپ او در جلو سینه بدو حالت احترام آمیزی داده است.

آخرین نفر با قامتی به بلندای ۱۴۶ سانتی‌متر با دو دست به سینه در نهایت فروتنی ایستاده است. او موهایی پر پشتی دارد که در دو سوی صورتش دیده می‌شود و به او چهره‌ای زنانه داده است. وجود احترام آمیز او صحنه را پر معنی ساخته است.

پیکره‌ها زمانی دراز اماچ سنگ پرشی فراوان قرار گرفته است. افزون بر آن پدیده‌های طبیعی و دگرگون‌های آب و هوایی نیز به روند تخریب نگارکند شتاب بخشیده است به گونه‌ای که از جزئیات پیکره‌ها چیزی دیده نمی‌شود. اینکه نگارکند دارای نیشته‌هایی بوده است را نمی‌توان رد کرد. هر چند که کوشش ما برای دستیابی به نیشته احتمالی به دلیل آسیب‌های فراوان نگارکندها به جایی نرسید.^{۲۱}

پوشش شخصیت‌ها، شیوه ایستادن، آرایش مو و فرم کرسی و اریکه و... شباهت بسیاری با دیگر نگارکندهای شناخته شده آلیامی را آشکار می‌سازد. قبا و تونیک بلند بویژه بر اندام دو نفر ایستاده که تنها کسی از پاهای آنان را می‌نمایند. موهایی پر پشت در دو سوی صورت، چهره تمام رخ و نگاه روبرو، پرهیز از جزئیات و نیز شیوه نشستن شخصیت‌های اصلی با پاهای به طرفین، در دست گرفتن نیزه، نشستن بر سکو که هم در نگارکند شماره II تگ سروک^{۲۲} و هم در نگارکندهای

شماره	نام	محل بنا	سال تکمیل	معماری
۱	تنگ پل	مسجد سید سلیمان	۱۸۸۱	لاهور (انگلیس)
۲	تنگ سروک ۱، ۲، ۳، ۴	مسجد	۱۸۸۱	عموره (روس)
۳	خونگ لاهور (نوروزی)	دقت ایله	۱۸۸۲	لاهور (انگلیس)
۴	خونگ شمال ولف	دقت ایله	۱۸۸۲	خیز (آلمانی)
۵	خونگ پارمفی ولف	دقت ایله	۱۸۸۲	خیز (آلمانی)
۶	کلی زوم	دقت ایله	۱۸۸۲	والتدبرگ (آلمانی)
۷	برده کوه ایله	ایل به زوده (مسجد سلیمان)	۱۸۸۲	والتدبرگ (آلمانی)
۸	قراقرز	ایل به زوده (مسجد سلیمان)	۱۸۸۲	والتدبرگ (آلمانی)
۹	بر نشاندگان	مسجد سلیمان	۱۸۸۵	گورسن (ترانسوی)
۱۰	سر سینه	مسجد سلیمان	۱۸۸۵	گورسن (ترانسوی)
۱۱	فرس یون جهران	سنت سرین ایله	۱۸۹۱	شیپ (آلمانی)
۱۲	خونگ لاهور ۵۲	دقت ایله	۱۸۹۲	دورال (ترانسوی)
۱۳	کنگه	مسجد سلیمان	۱۹۲۴	سرفراز (ایرانی)
۱۴	شهره	دیانه رود ایله	۱۹۲۷	شهرگان (ایرانی)
۱۵	سوره تنگ زیره	پاسون ایله	۱۹۲۷	شرف علی گل ایران
۱۶	شیرینتر	سوری بافت	۱۹۲۸	شهرگان (ایرانی)
۱۷	تنگی	بافت	۱۹۲۸	شهرگان (ایرانی)

نگارندهای ایلمیایی

نمایه شماره یک: فهرست نگارندهای شناخته شده و تریاتنه ایلمیایی

به شووه انگلیسی داده می شود. نامی توآن نام برد. (انگریز به نمای شماره ۴) اینکه این نگارنده ایلمیایی چه درویدادی است؟ و چه پاسی را از زمان خود به ما می دهد؟ در حالی که از ایلمی قرار دارد و تنها به قرینه بنان می توان پرداخت

تاریخگذاری نسبی نگارنده شیرینو

در مقایسه دو نگارنده به شووه انگلیسی و نگارنده شماره ۱۱ تنگ سروک را که در آنها کرسی نشینانی به نقش درآمده است باید در نظر داشت. در تنگ سروک کرسی نشینان ها کلاه خود و هاله میتریایی بر سر دارند و رویان های اویخته بر فراز شانه هایشان آنان را ایزدان ایرلی می نمایند که در یک مراسم آیینی تنفیذ قدرت بر آردشاه که بین سده های یکم تا سوم میلادی تاریخگذاری شده است، گردآمده اند.

کرسی نشینان انگلیسی نیمنج های با رویانهای اویخته از دو سوی چهارهایشان بر سر دارند که از نشانه های خدایی است. در نگارنده شیرینو سوری داغ رویانهای اویخته احتمالاً دپیوم و نیمنج را که از نمادهای ایزدی است با دقت می توان دریافت که با توجه به اینکه در مسیر منار از شیمبار تا زوده پس از نگارنده های شیمبار که بین ۲۰۰-۲۵۰ میلادی تاریخگذاری می شود و در نزدیکی نگارنده های بردیت کوه تینا^{۲۱} و تازاز^{۲۲} که پیرسون سده های نخست و دوم میلادی تاریخگذاری شده اند، که نگارنده شیرینو را می توان ایلمیایی از یک شاهک ایلمیایی سده نخست و دوم میلادی در برابر یک ایزد ایلمیایی دانست.

این نگارنده از دیدگاه باستان شناختی کنکاش بیشتری را پیرسون آثار دوره ایلمیایی در بافت می طلبد و چون بسیار آسیب دیده است به تمهیدات حفاظتی بیشتری نیاز دارد.^{۲۳}

پانوشته:

- ۱- واژه نگارنده Negar Kand را در برابر نقش برجسته و حجاری، که هنر کنده نگاری بر صافی سنگ و صخره است. (با تمهیدات و آماده سازی اولیه) برگزیده ایم. این واژه دیرین و ماهیان توایی پیشه های کرده است. بنگرید به: ماهیان توایی، پسی، نوی کنده Negar Kand - نگار کنده Negar Kand، چیستا سال دوم، شماره چهارم، سال ۱۳۶، صص ۲۲-۲۳.
- ۲- با Kaxana در سال ۱۸۵۰ م.
- ۳- بنگرید به: Layard, Austin Henry. "Early Adventures In Persia, Sistan and Baluchistan" 1877, London.
- ۴- بختیار باح (X و Kii) را ف (H) تلفظ می کنند همچون: خالو Xaloo به معنای دایی که آن را هالو Halar می گویند و یا خرما که پشان هرما می گویند و بر عکس ه را خ تلفظ می کنند همچون: خونگ که خونگ هم می گویند چون: خونگ ازهر (خونگ ازهر) به واسطه زندگی طایفه نوروزی (از گروای های ملت ننگ بختیاری) در آنجا، خونگ نوروزی یا خونگ نوروزی هم می گویند.
- ۵- مالامیر (Malimir) خلاصه مانا امیر (Mal Amir) به معنای سرای امیر است. این نام پس از نام ایله Tala و ایچ Djalal (از سده هشتم هجری که پایتخت اتابکان بزرگ شد به معنای سرا کاخ شاه و امیر (پایتخت) نامیده شد. و در زمان پهلوی از سال ۱۳۲۰ رسماً "ایله" نامیده شد ولی همچنان مردم آنجا را مالامیر یا ایله مالامیر می نامند، نام باستانی ایله در دوره ایلام نو آرایز نامیده است. که از سنگ نبشته کول فره بدکان اشاره شده است.
- ۶- در رابطه با نگارنده های ایلمی اشکفت سلمان و کرل فره بنگرید به: Layard, A.H. "Description of the Province of Khuzistan", Journal of the Royal Geographical Society, Vol XVI, London, 1840, 79-80.
- ۷- شیمبار Shimbaz ساه شده شیرین بهار Shilin Babar است که ترجمه در بیان خرمن و سرسوزی و پر علوفه بودن آنجا در بهاران و هنگامه کرج به ییلاق است.

